جمع آن در آخر کار سر رحمتی سبقت غضبی ظاهر خواهد شد چنانکه در اول انشا بود تا در اول و آخر یکی گردد بیت بلکه آنجا اول آخر گشت
دید احوال را دان و دیدن گشت ∴ در تفسیر کبیر آمده که همه محض رحمت که بدنیا فرستادند و حضرت رسالت پناه صلعم کمال مظهر رحمت
آن داده وما ارسلناک الا رحمة للعالمین و حضرت رسول صلعم درخواست فرمود که خدایا حساب امت من بدست من واگذار و عنان
شمار ایشان روز قیامت بمن بقبضهٔ اختیار من سپار غرض آنکه هیچکس از ساکنان محشر بر گناهای بد ایشان وقوف نیابد آورده اند
که باوجود این شفقت شخصی از صحابه وفات کرده بود بواسطه آنکه ده درم داشت آنحضرت بر وی نماز نگذارد همان دم در رسش خطاب
کردند که ای محمد دعوی آن کردی که رحمت عالمیانم بجهت ده درم وام روی از یاران خود گردانیدی روز قیامت برای صد هزار گونه معاصی
و جرایم با امت چه معامله خواهی نمود گویا بزبان اشارت گفته میشود که ای ستید تو یک جزو رحمت بیش نداری و آن مقدار اصلاح
در حال امت و اصلاح کار اهل خطا و زلت کافی نیست ایشان را بمن سپار و مراد ایشان گذار تا بصد جزو رحمت کامله نامهای سیاه
عاصیان را محو گردانم و مفلسان را امیدوار گردانم که جز درگاه من پناهی ندارند و برحمت رحیمیه از درکات عقوبت بدرجات نجات
رسانم بیت در شستن نامهای ارباب گناه ∴ یک لطف به از بحار الطاف اله ∴ زین نوع که کار رحمانیت تباه
گر فیض عنایت نبود داد الهی موافق سخن سابق آنست که گفته اند که اگر رحمن است بدادن جان و فرستادن روزی لیکن
اما رحیمیت در آخرت بخشش های بر بندگان سراسیمه حیران در وحشت قبر بانس سرور و ظلمت قیامت با حاطهٔ نور و آنا قامت
نزدیک میزان بثقل طاعات و هنگام قراءت مجوب سیئات وقت گذشتن بطراط بسهولت و آسانی و زمانی ورود به نار
از تو ممن ربانی از عزیزی التماس نمودند که از آثار رحمت رحمانیه و رحیمیه را خبر ده گفت ایزد سبحانه و تعالی جل جلاله امروز
ترا به پوشانیدن ناخوش ترین اعضا امر فرمود یعنی عورت و بظاهر گردانیدن نیکوترین اعضا بر تو منت نهاد یعنی از اثر رحمانیه
است اما فیض رحیمیه آن خواهد بود که فردا اعمال ناستوده ترا بپوشاند و افعال ناپسندیده ترا بر خلق ظاهر نگرداند ای درویش
اگه امروز بیغرض نظر لطف بر تو کار و فردا بشبهه عنایت خود با تو فرو نگذارد بیت چو امروز از تو سامان یافت کارم ∴
بفردا هم ز تو امید دارم ∴ چه هم خود ساختی کار من اول ∴ بآخر مشکلم را هم تو کن حل ∴ در بعضی از کتب منزله مذکور است که بنده
من بعرصه گاه محشر آیی و در موقف بعث و نشور حاضر گردی اگر نامهٔ اعمال تو بتوقیع طاعت و طغرای فرمانبرداری موشح
باشد ترا بتشریف قبول و خلعت انواع شرف گردانم و با مقربان حضرت خود بر بساط کرامت بنشانم اگر دامن افعال تو
بلوث نافرمانی و جرم گناهکاری آلوده بود از ابر زلال رحمت و افضال طهارت و نظافت ارزانی سازم و بکرم بی علت و بخشایش
بیغرض آنچه از بی ادبیها و تباهیها دیده ام در گذرانم تا معلوم گردد که فعل ما از غرض و علل خالیست و حضرت مجید متعالی بصفت استغنا
و بی نیازی عالی الحمد لله رب العالمین ای که ذات مقدست از همه آنچه بر زبان و دل ما عاجزان گذرد میشود منصفات بمرحمت
بکرم عمیم و لطف قدیم و بنده نوازی چاره سازی چاره کار این گناهکاران سرگردان نمائی این مفلسان پریشان را
دستگیری کن که جز درگاه فیض بخشت پناهی و امید گاهی نداریم آمین یا رب العالمین بیت مشو نومید اگر داری بسی جرم ∴

کرفضل

که فضل او فزونست از گناهت ∴ ورت نبود زبان عذرخواهی ∴ هم او گردد برحمت عذرخواهت فصل تا هیچان سالک
معرفه را نیز در تفرقه در میان رحمن رحیم لطیفه هاست و آنچه همه بران متفق اند آنست که رحمن دلالت بر رحمت عام مطلقه دارد و رحیم بر رحمت
مقیده و شرح این سخن بتفصیلی لایق سمت سبق یافته بوزی رحمه الله فرموده که رحمن راست بتحقیق و رحیمیست بتوفیق رحمت رحمانیش هدایت
طرایق حقایق را بر خواص خلایق مبین می سازد و فیض رحیمیتش اخص خواص العصمت توفیق از سایر انام ممتاز گردانید و در بعض اخبار آمده
که رحمن مقتضای نصرت عامست برای عوام ایام و رحیم رساننده دولت خاص است بخواص انام و گفته اند رحمن است باشراف
باسرار اولیا و این حال بهیبت باشد و رحیمیست بتجلی بر ارواح انبیا بظهورت بر انس سلوت دارد و در حقایق سلمی آورده که رحمن است
برزق ظاهر و رحیمیست با رزق باطن روزی ظاهر با قوا است و روزی باطن اصفای اقوا است رزق صوری کولات و شربات
و رزق معنی فهم دقایق اسما و معرفه دقایق صفاتست وابسته رزق صورت در پی اسباب نوانست و طالب رزق
معنی در حضرت مسبب راجویان مردم تنگ حوصله روزی ظاهر را طالبست روزی بصاحبدل صاحب همت راغب عالمیان در آرزوی
خواص انام در کشف الاسرار آورده که عتبة الغلام شاگردی زید هرون اختیار کرد و زید او را از خوردن خرما منع فرمود ما عتبه
نزد زید آمد دید که خرما میخورد فریاد برآورد که ای شیخ خرما میخوری و بسر مرا منع میکنی چون خود عتبه میفرمائی چرا او را منع میفرمائی
گفت ای مادر پسرت در آرزوی خرماست و خرما در آرزوی من او را منع باید کرد و مرا عتبه باید نمود شنیده که خلق عالم
در آرزوی بهشت باشند و بهشت در آرزوی سلمان لاجرم فردا او را از بهشت در گذرانند و در حضرت احدیت
مقام معاینه اش فرود آرند که الفقراء جلساء الله اگرت این مرتبه است آرزو است از خود بیرون آیی چون ما از پوست
و ملازم درگاه او شو که قرار دل دوستان آستان قدس وست بیت چهره عزرات باید در ره واثق نشین ∴ عشق بود در دو
باید کام سلمان داشتن ∴ و در روح الارواح میفرماید که رحمن است بسط نعم و رحیم بکفایت رحمت رحمن محل طلوع انوار عنایت
و رحمت و رحیم مشرق آفتاب کفایت از شاخ عنایت گل هدایت شکفد و از روضه کفایت سبزه حمایت روید رفیق هدایت
طالبان را بمطالعه لوایح کرم رساند و حریف حمایت واصلان را بمشاهده لوامع قدم گرداند سر محبت ازلی عشقبازان جمال لم
یزلی را پیوسته میان عنایت و کفایت بصفت هدایت و حمایت پرورش میدهد تا از شوق رحمن و رحیم می بیند و جلوه جمال
رحیم در مرآت کمال رحمت می بینند ایشان را خصوص آینه عموم است و تفصیل عموم از اجمال خصوص معلوم نمود و کثرت مانع شهود
وحدتست و نه شهود وحدت مزاحم نمود کثرت بیت گاه آن روی نکو آینه ذراتست ∴ گاه ذرات هم از آینه روی نکوست ∴
در حقایق القرآن آورده که رحمن است که بنده را بوسیله طاعت برحمت خود نزدیک گرداند اولئک المقربون و رحیمیست که رحمت
خود را بواسطه به بنده نزدیک سازد که ان رحمة الله قریب و گفته اند که رحمن دلالت بر نعمت کند و رحیم بر نعمت
واتممت علیکم نعمتی اما محبت خاصه رندان صافی دل دردآشامست یحبهم و یحبونه سخن امام قشیری آنست که رحمن است
بتخفیف عبادات رحیمیست بتحقیق حسنی و زیادت رحمن است باول آخر رحیمیست بباطن ظاهر رحمن است که تجاوز القدم سلوک

Copyright © King Saud University